

## سبک‌شناسی رمان عامه‌پسند (با تکیه بر آثار مرتضی مؤدب‌پور)<sup>۱</sup>

زهرة نجفی<sup>۲</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان

مینا کاظمی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان

### چکیده:

سبک، روش خاصی است که نویسنده یا شاعر برای بیان مطالب و مفاهیم مورد نظر خود به کار می‌گیرد. از دیرباز تا کنون تعاریف و تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از سبک ارائه شده است. در بررسی سبک هر اثر ادبی ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری آن اثر مورد بررسی قرار می‌گیرد. از پدیده‌های نوآما قابل توجه در جریان ادبی معاصر، رمان‌های عامه‌پسند یا بازاری هستند که بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند و عنوان پرفروش‌ترین رمان‌های دهه اخیر را به خود اختصاص داده‌اند. از این رو توجه بیشتر به این آثار، امری ضروری و لازم است. سبک‌نویسندگی و اسلوب خاصی که نویسنده برای بیان مفاهیم مورد نظر خود به کار می‌برد، از مشخصه‌های بارز هر اثر ادبی است و شناخت نویسنده و دنیای او و دیدگاه و بینش او را به جهان پیرامون نشان می‌دهد، از این رو بررسی سبکی رمان عامه‌پسند می‌تواند گامی به سوی شناخت علل محبوبیت این آثار باشد.

نگارندگان در این پژوهش به عنوان نمونه، چهار اثر مرتضی مؤدب‌پور را که در سال‌های اخیر مخاطبان زیادی را به خود جذب کرده است و از موفق‌ترین رمان‌نویسان عامه‌پسند بوده است، مورد تحلیل سبک‌شناسی قرار داده‌اند. بر پایه این بررسی مشخص شد که سبک مؤدب‌پور، رئالیسم است. وی از نثری ساده و عاری از پیچیدگی استفاده کرده؛ از صنایع بدیعی، جز کنایه بهره چندانی نگرفته و مشکلات جوانان و مسائل سیاسی و اجتماعی روز را با زبانی ساده مطرح کرده است.

**کلید واژه‌ها:** سبک‌شناسی، رمان عامه‌پسند، مرتضی مؤدب‌پور.

## ۱. مقدمه:

رمان‌های بازاری یا عامه‌پسند، از انواع رمان هستند که در دهه‌های اخیر، بسیار مورد توجه مخاطبان قرار گرفته‌اند و به محبوبیت و فروش بالایی دست یافته‌اند. خاستگاه و منشأ این نوع رمان را باید در پاورقی‌هایی که پیش از انقلاب در مجلات به چاپ می‌رسید، جستجو کرد. پاورقی‌نویسی تا سال‌ها مورد توجه نویسندگان بسیاری بود که از طریق چاپ داستان‌های خود به صورت منظم در مجلات و روزنامه‌ها به محبوبیت زیادی دست یافته بودند. بیشتر این پاورقی‌ها با مضامینی همچون عشق، ناهنجاری‌های اجتماعی و مشکلات زنان و جوانان نگاشته می‌شدند و از نظر توجه به عناصر داستان‌نویسی و ویژگی‌های ادبی و سبکی، در جایگاهی نازل قرار داشتند. از معروف‌ترین و پرکارترین این نویسندگان، می‌توان حسینقلی مستعان، جواد فاضل، امیر عشیری، مجید دوامی، حمزه سردادور و بسیاری دیگر را نام برد.

با وقوع انقلاب، مدتی این جریان متوقف شد؛ اما در سال‌های بعد در قالب تازه رمان‌های عامه‌پسند، حیات خود را از سر گرفت. نکته قابل توجه درباره این رمان‌ها، فروش بسیار بالای آنهاست؛ به گونه‌ای که بسیاری از این رمان‌ها جزء پرفروش‌ترین رمان‌های سال‌های اخیر شناخته و بارها تجدید چاپ شده‌اند. از میان انبوه این نویسندگان می‌توان از فهیمه رحیمی، نسرین ثامنی، فتانه حاج سیدجوادی و مرتضی مؤدب‌پور نام برد که آثار آنها در میان پرفروش‌ترین رمان‌های این سال‌ها قرار دارد؛ به عنوان نمونه می‌توان به *بامداد خماری* از فتانه حاج سیدجوادی با ۳۸ چاپ، *پریچهر* و *یاسمین* از مرتضی مؤدب‌پور با ۱۸ چاپ، *یلدا* با ۱۳ چاپ، *پنجره و بانوی جنگل* از فهیمه رحیمی به ترتیب با ۱۵ و ۱۳ چاپ، *گلی در شوره‌زار* از نسرین ثامنی با ۱۴ چاپ اشاره کرد که طبق آمار بانک اطلاعات خانه کتاب به ترتیب رتبه‌های ۱، ۵، ۷، ۱۹، ۱۲، ۲۰ و ۱۸ پرفروش‌ترین آثار بین سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۸۴ را به خود اختصاص داده‌اند. بر همین اساس، توجه به این نوع رمان با توجه به جایگاه آن در میان مخاطبان و بررسی آن از جنبه عناصر ادبی و سبک‌شناختی با هدف شناخت و پیگیری عوامل جذب مخاطب، ضروری و لازم به نظر می‌رسد.

در این پژوهش، ویژگی‌های سبک‌شناختی رمان‌های عامه‌پسند با تکیه بر آثار مرتضی مؤدب‌پور، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مؤدب‌پور چنان‌که پیش از این گفته شد از معروف‌ترین و محبوب‌ترین نویسندگان عامه‌پسند است که آثار او با اقبال زیاد مخاطبان مواجه شده است. به منظور تحلیل و نقد

ویژگی‌های سبکی آثار او، چهار رمان *پریچهر*، *گندم*، *یلدا* و *یاسمین* را برگزیدیم. این آثار از پرفروش‌ترین رمان‌های مؤدب‌پور و همچنین از پرفروش‌ترین رمان‌های سال‌های اخیر به شمار می‌آیند؛ علاوه بر این از جنبه‌های گوناگون ساختاری، شباهت‌های زیادی میان این رمان‌ها وجود دارد که دستیابی به ویژگی‌ها و مشخصه‌های کلی سبکی آنها را آسان‌تر می‌کند و چشم‌اندازی روشن‌تر از جهان‌بینی و نگرش نویسنده پیش روی مخاطب می‌گشاید.

## ۲. سبک‌شناسی:

واژه سبک، مصدر ثلاثی مجرد عربی است به معنی گداختن و ریختن و قالب‌گیری زر و نقره و «سیکه» به معنی پاره زر و نقره گداخته و قالب‌گیری شده مشتق از آن است (*لسان‌العرب*، بی‌تا، ذیل واژه سبک).

از دیرباز تعریف‌های گوناگونی از سبک و سبک‌شناسی ارائه شده است. برخی معتقدند: «سبک عبارت است از شیوه خاص در نزد هر گوینده، تعبیر صادقانه‌ای است از طرز فکر و مزاج او.» (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۷۵) عده‌ای، سبک را «شیوه خاصی که نویسنده یا شاعر برای بیان مفاهیم خود به کار می‌برد و به عبارت دیگر اینکه نویسنده یا شاعر آنچه را می‌گوید، چگونه بیان می‌کند» (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۴۷) تعریف کرده‌اند. فرشیدورد از میان تعاریف مختلف، این تعریف را برای سبک برمی‌گزیند: «سبک، شیوه خاص یک سخنور یا یک اثر یا مجموعه آثار ادبی است» (فرشیدورد، ۱۳۷۳: ج ۲: ۶۵۴) و شمیسا سبک را به طور کلی وحدتی می‌داند که در آثار کسی به چشم می‌خورد (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۴).

به طور کلی می‌توان سبک را روشی دانست که هنرمند برای بیان موضوع، پرورش افکار خود و ارائه هنرش به کار می‌گیرد؛ روشی که خاص خود اوست و اثر هنری یا ادبی را از دیگر آثار و روش‌ها متمایز می‌کند. هنرمند برجسته و اصیل و به طور خاص نویسنده صاحب سبک کسی است که بتواند میان معنا و مفهوم اثر با زیبایی‌های ظاهری، پیوندی مناسب و دلنشین برقرار کند.

در تحلیل سبکی اثر باید مشخصه‌ها و ویژگی‌های غالب و پر بسامد اثر را مورد بررسی قرار داد. در حقیقت «هدف از تحلیل، همانا تجزیه کامل یک موضوع به عناصر متشکل آن و شناخت موضوع از راه مقابله و سنجش عناصر و تبیین نسبت‌هایی است که بر عناصر آن ناظر است.» (عبادیان، ۱۳۸۳: ۶۸)

در نوشتار حاضر برای دستیابی به سبک رمان عامه‌پسند، آثار مؤدب‌پور را در سه سطح ۱. زبانی، ۲. ادبی و ۳. فکری، مورد بررسی قرار می‌دهیم:

## ۲-۱-۱. سطح زبانی:

### ۲-۱-۱-۱. سطح لغوی:

#### ۲-۱-۱-۱-۱. اصطلاحات و واژگان عامیانه:

این ویژگی سبکی، از ویژگی‌های پر بسامد آثار مؤدب‌پور است که در کنار واژگان محاوره‌ای، از عوامل نزدیکی نثر او به زبان مردم است:  
پریچهر: «فعالاً که رو هوا آویزونیم» (۶)

گندم: «اونوقت گندش درمی‌آد ها!» (۳۰)؛ «حیف نیس به همچین هوایی رو آدم ول کنه و بچپه تو خونه؟» (۶۰)

یلدا: «حالا دیگه واسه من میخوای تیارت بازی کنی؟» (۲۲۶)؛ «شاید یه روزه عربی رو فوت آب شی.» (۶۶)

یاسمین: «باید بتمرگم تو همین اتاق دیگه» (۵۳)؛ «انگار توپ شما خیلی پره جناب بهرام خان.» (۱۴۲)

### ۲-۱-۱-۲. کاربرد اتباع:

از ویژگی‌های زبان محاوره، استفاده از اتباع است که در آثار مؤدب‌پور بسامد بالایی دارد و عامل مهمی در نزدیک کردن زبان رمان به گفتار روزمره مردم و ایجاد حس صمیمیت مخاطب با داستان است. کاربرد اتباع در رمان‌های مورد نظر، بیشتر در زبان شخصیت‌هایی که به طبقات پایین تعلق دارند و یا در جملات طنز به کار می‌رود. تقسیم‌بندی‌های زیر از اتباع براساس کتاب دستور زبان انوری و گیوی (۱۳۸۷: ۱۰۳-۱۰۲) است.

انواع اتباع در رمان‌های مورد نظر را می‌توان به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد:

الف. تبدیل حرف اول به «م»:

گندم: «از گردش مردشم خبری نبود.» (۲۲)؛ «از این عکس مکسای بد نذار اون لای کتاب.» (۱۷)؛ «کالباس

مالباس می‌گیریم، دور هم می‌خوریم.» (۲۶۳)

یاسمین: «یه بلا ملایی سرت می‌آرم ها.» (۱۵۴)

ب. تبدیل حرف اول به «پ»:

پریچهر: «بذار تمام دخترای فامیل شیک و پیک کنن و بیان.» (۱۶)؛ «آذر به تنه تنه افتاد.» (۳۷۵)

گندم: «بیا بریم واستادی چرت و پرت می‌گی!» (۴۵)؛ «همونجا شل و پلش می‌کنیم که دیگه فکر زن گرفتن از کله‌ش بره بیرون!» (۳۳۴)

یاسمین: «حدّ اقل افکارم قاطی پاطی نبود.» (۴۲۴)

ج. تبدیل مصوّت اوّل به مصوّت بلند «او»:

پریچهر: «تک و توک زنی رو می‌دیدید که تو خیابون قدم بزنه.» (۳۲۴)

یلدا: «اون موقع که بهت می‌گم ناز و نوز نکن!» (۲۳۷)؛ «راه، صاف و درست و بی‌چاله چوله میشه.» (۲۸۴)

د. تبدیل به الفظی که نه هم‌وزن کلمه است و نه حرف اوّل آن به حرف معینی تبدیل می‌شود؛ بلکه فقط در حرف اوّل با کلمه متبوع یکی است:

پریچهر: «عالم تاج خانم خودش رو در اتاق‌ها گم و گور کرده بود.» (۱۴۵)؛ «اکثر این فک و فامیل‌های ما، میزان خوشبختی رو تو دفترچه حساب بانکی می‌بینند.» (۱۷۱)

گندم: «کارگرا پخش و پلا شدن.» (۳۷۵)

یلدا: «با پرت و پلاهایی که می‌گه باعث مسخره و خنده مردم بشه.» (۱۳۶)؛ «اون وقت همه شروع می‌کنن با قرض و قوله و کلاهبرداری و هزار تا کار دیگه پول جور می‌کنن.» (۱۵۸)

یاسمین: «وقتی به دست بهرام کشته شدی چک و چونه تو خودم می‌بندم.» (۱۴۶)؛ «فلدای اون چشم و چارتون بشم.» (۱۵۱)؛ «با یه چیزی می‌زنم تو پک و پهلوت ها!» (۲۳۲)

۲-۱-۱-۳. فعل‌های شکسته:

پریچهر: «دیگه از دست راحت می‌شم.» (۷)؛ «دلَم نمی‌اومد که آغوش مادرم رو ترک کنم.» (۱۰)

گندم: «دیگه نداشتم حرف بزنه.» (۴۳۳)؛ «حالا این قیمت رو کی باید بدسه!» (۴۴۲)

یلدا: «داشتم با هم صحبت می‌کردن.» (۱۸۹)؛ «حتّی می‌خوام تلویزیون رو روشن کنم، بهم اجازه نمی‌دن.» (۲۱۱)

یاسمین: «پاشو چایتو وردار بریم تو حیاط.» (۹۹)؛ «یه وقت دیدم همونجایی هستم که شما منو دیدین.» (۱۸۲)

۲-۱-۱-۴. کلمات و جملات توهین‌آمیز:

الفاظ رکیک و جملات توهین‌آمیز در رمان‌های مؤدب‌پور بسامد بالایی دارد؛ به گونه‌ای که به یکی از مختصّات زبانی او تبدیل شده است؛ از آنجا که از نقل این موارد اکراه داریم، به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم:

پریچهر: «بی همه چیز» (۲۳۱)؛ «آکله گرفته» (۲۳۲)

گندم: «گم شو» (۲۹)؛ «حمال» (۸۶)

یلدا: «تف به گورت یلدا خانم» (۲۵)

یاسمین: «تف به روت بیاد زن!» (۳۱۲)

۲-۱-۱-۵. کاربرد اصوات:

یلدا: «ملج ملج» (۸۹)؛ «قلب قلب» (۱۷۵)

یاسمین: «شوشو» (۷۱)؛ «خرخو» (۶۱)، «قدقد» (۱۷۱)

۲-۱-۱-۶. واژه‌های بیگانه:

کاربرد واژه‌های بیگانه، به ویژه واژه‌های انگلیسی، گسترده‌گی چندانی ندارد و در حدّ واژه‌هایی است که کاربرد آنها در محاورات مردم، عادی شده و در حقیقت به واژگان روزمره و پرکاربرد در زبان مردم تبدیل شده‌اند.

پریچهر: «کازینو، دیسکو، لوکال، بیلارد» (۶۸)، «استپ» (۱۳۲)، «کنسل» (۲۰۱)، «پارتی، متد» (۲۹۷)

گندم: «ریموت» (۳۵۱)، «موبایل، اسموکینگ» (۱۴۰)، «انترکت» (۳۷۳)، «چک آپ» (۴۰۳)، «باریکو» (۴۶۶)

یلدا: «پجینگ» (۹)، «video, audio» (۲۷)، «تراموا» (۵۴)، «پاسپورت» (۹۹)

یاسمین: «اینترنت» (۹۰)، «تکنولوژی» (۴۷۰)

۲-۱-۲. سطح نحوی:

۲-۱-۱-۲. تقدّم فعل:

پریچهر: «اگه بخوای اونجا بری، باید بشی معاون اون.» (۹۴)؛ «منو ول کرد توی آب.» (۸۸)؛ «رفته بود سراغ

سهراب خان.» (۱۳۷)

گندم: «سلام کردم و رفتم جلو که به مرتبه عمه‌م اومد جلو و منو بغل کرد و زد زیر گریه.» (۱۹۳)؛ «زود

خودتو برسون به من.» (۶۶)؛ «دویدم دنبال گندم.» (۸۱)

یلدا: «دوباره همه زدن زیر خنده.» (۹۴)؛ «رسماً آشنا شدیم باهاشون.» (۱۰۶)؛ «آسانسور رسید پایین و ازش

اومدیم بیرون و رفتم طرف حیاط.» (۱۱۵)

یاسمین: «چایتو وردار بریم تو حیاط.» (۹۹)؛ «رفتم تو اتاقم.» (۳۷۴)؛ «از خونه اومدم بیرون.» (۳۲۰)

## ۲-۲-۱-۲. ضمیر مفعولی متصل به فعل:

پریچهر: «بعد از اون روز دیگه ندیده بودمش» (۱۷۶)؛ «اگر زورم می‌رسید، حتماً می‌کشتمش» (۲۱۸)؛

«حداقل بذار با خودم ببرمش» (۲۶۵)؛ «کشته بودنشون» (۲۲۴)

گندم: «کسی نمی‌بیندتون» (۱۰۵)؛ «دوباره خوندمش» (۱۰۹)؛ «نشوندمش پیش کامیار» (۱۱۹)

یلدا: «اونم ورش داشت و بردش فروخته‌ش» (۱۸۸)؛ «برخلاف خواسته خودم بردنم» (۲۱۲)؛ «شاید خیلی

قوی‌تر از کسایی که می‌شناسیشون» (۲۱۶)

یاسمین: «فراموش کرده بودم بشورمش» (۷۸)؛ «بیارمش تو این اتاق» (۹۰)؛ «از دست داده‌شون» (۱۱۴)

## ۳-۱-۲. سطح آوایی:

### ۳-۱-۱-۲. کاربرد واژگان با تلفظ محاوره‌ای:

از ویژگی‌های بارز سبکی مؤدب‌پور، کاربرد واژه‌های محاوره‌ای در سطح بسیار وسیع است. این ویژگی از وجوه تمایز رمان‌های او از دیگر نویسندگان عامه‌پسند است؛ زیرا در بیشتر این رمان‌ها، نویسنده میان زبان رسمی و محاوره در تردید است؛ اما در آثار مؤدب‌پور، تقریباً تمامی واژه‌ها، خواه در زبان راوی، خواه در زبان دیگر شخصیت‌ها محاوره‌ای و براساس کاربرد آن در زبان مردم است.

پریچهر: «چمدون‌هارو به کناری گذاشتم» (۱۱)؛ «مردم تیکه‌تیکه مون می‌کنن ها!» (۷۴)

گندم: «انقدر به مردم بهتون ناحق نزن!» (۷)؛ «خب یه بارکی سرخرگ آنورت و سیاهرگ ششی رو هم

بکش!» (۷۵)

یلدا: «من چه جوری وقایع این پونزده شونزده سال رو براتون تعریف کنم؟» (۱۳۱)؛ «پای شیطون رو

چرا وسط می‌کشی؟» (۸۳)

یاسمین: «میگه گشگی نکشیدی تا عشق و عاشقی از یادت بره!» (۹۱)؛ «یه صبحونه کامل خوردم» (۱۴۷)

## ۲-۲. سطح ادبی:

### ۱-۲-۲. تشبیه:

تشبیهات موجود رمان‌های مؤدب‌پور، بسیار ساده و ابتدایی و بیشتر شامل تشبیهات حسی به حسی و در محدوده تشبیهاتی است که به طور عادی و طبیعی در زبان مردم به کار می‌رود.

پریچهر: «قلب کوچکم مثل قلب یه گنجشک که اسیرگره شده باشه، می‌تپید» (۱۳۶)؛ «شده بودم عین مرده

قبرستون؛ لاغر و نحیف و زردنبو» (۱۳۹)؛ «ماشالله مثل قالی کرمون می‌مونید!» (۱۲)

گندم: «رنگش شده بود مثل گچ دیوار.» (۹۳)؛ «داشت مثل بید می‌لرزید.» (۹۲)؛ «شیکم اندازه به هندونه باد شد.» (۳۷۶)

یلدا: «چشماش سرخ سرخ مثل دو تا کاسه خون بود.» (۲۲۶)؛ «دختره همینجوری مثل گل می‌مونه.» (۸۸)

یاسمین: «آب مثل اشک چشم بود.» (۷۱)؛ «تمم مثل بید می‌لرزید.» (۱۳۰)؛ «مثل مرغ سرکنده به خودش می‌پیچید.» (۲۹۴)

### ۲-۲-۲. کنایه:

کنایه از صور بیانی است که در زبان مردم و گفتگوهای روزانه آنها کاربرد زیادی دارد؛ از این رو از ویژگی‌های ادبی پر بسامد رمان‌های مؤدب‌پور به شمار می‌آید. به دلیل نظریات مختلفی که در مورد کنایه و استعاره تمثیلیه در نزد صاحب‌نظران وجود دارد، مثال‌های مربوط به هر دو مورد، در کنار هم بیان می‌شود.

پریچهر: «ویگ به کفش کسی بودن» (۱۱۹)؛ «کاسه زیر نیم کاسه بودن» (۴۶۱)؛ «نون کسی رو آجر کردن» (۲۳۵)؛ «سنگ روی یخ کردن» (۱۳۸)

گندم: «کارد به استخوان رسیدن» (۴۹۷)؛ «طاقچه بالا گذاشتن» (۳۸۰)؛ «سنگ روی سنگ بند نشدن» (۹۴)  
یلدا: «دسته گل به آب دادن» (۲۰۱)؛ «کنگیر به ته دیک خوردن» (۲۳۵)؛ «زهرة آب شدن» (۲۶۷)؛ «آب خنک خوردن» (۲۳۲)

یاسمین: «پارا اندازه گلیم دراز کردن» (۱۳۷)؛ «چشم کسی آب نخوردن» (۵۴)

### ۲-۲-۳. ضرب‌المثل:

از پرکاربردترین جنبه‌های ادبی رمان‌های مؤدب‌پور، استفاده فراوان از ضرب‌المثل است که در کنار زبان محاوره و جملات ساده و روان و واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه، در ایجاد ارتباط صمیمی‌تر با مخاطب، مؤثر است.

پریچهر: «تو اگر بیل زنی، باغچه خودتو بیل بزنی» (۲۱۲)؛ «زرع نکرده، پاره کردی» (۱۱۱)؛ «کوکواز روغن گل می‌کنه و زن از مرد» (۴۵۵)

گندم: «حساب حساب کاسا برادر» (۲۶۱)؛ «یک بزگر، گر کند یک گله را» (۴۸۹)



یلدا: «انگور خوب همیشه نصیب شغال می‌شه» (۸۳)؛ «آتش نخورده و دهن سوخته» (۱۱۵)؛ «شتر در خواب  
بیند پنبه‌دانه» (۱۹۲)؛ «کور، کورو می‌جوره آب گودال رو» (۳۶۰)  
یاسمین: «خونه‌نشینی بی‌بی از بی‌چادریه» (۵۰)؛ «به حرف گریه کوره بارون نمیداد» (۱۰۰)؛ «ز مادر مهربان‌تر  
دایه خاتون» (۱۴۵)؛ «گریه که دستش به گوشت نمی‌رسه می‌گه پیف پیف» (۳۵۰)  
۲-۲-۴. تشخیص:

از صنایع ادبی‌ای است که کاربرد چندانی در آثار او ندارد؛ زیرا به طور کلی نثر او، نثر ادبی نیست.  
پریچهر: «سرنوشت فعلاً تیغش رو برای من و این دختر طفل معصوم تیز کرده» (۵۸۳)  
یلدا: «آما هر چقدر سرعت می‌گرفتم، شیم سرعت می‌گرفت؛ از من جلو می‌زد... شب داشت آروم‌آروم از لای  
شیشه بغل می‌اومد تو ماشین و می‌خواست نفسم رو بگیره» (۴۲۱)؛ «شب داشت بغل به بغل ماشین، با سرعت  
می‌اومد» (۴۲۶)

#### ۲-۲-۵. استفاده از ادبیات کهن و معاصر فارسی و اشعار عامیانه:

##### ۲-۲-۵-۱. کاربرد غیر مستقیم:

در مقایسه با کاربرد مستقیم، بسامد زیادی ندارد.

یلدا: «خوش باش و بزنی می‌گه معشوقه به کام است» (۲۲۱)

پریچهر: «اگه بخوام همه اتفاقات رو براتون بگم، مثنوی هفتاد من میشه» (پریچهر، ۴۶۴).

##### ۲-۲-۵-۲. کاربرد مستقیم:

هدف‌های عمده‌ای که مؤدب‌پور از اشعار گوناگون در رمان‌های خود استفاده می‌کند از این قرار  
است:

##### الف. طنز:

بار طنز رمان‌ها در موارد زیادی بر دوش اشعاری است که یا به دلیل موقعیت خاصی که در آن به کار  
گرفته می‌شوند، بار طنز می‌یابند:

یلدا:

«ای که دستت می‌رسد کاری بکن      پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار»

(۱۰۳)

یاسمین: «چارپایی براو کتابی چند!» (۹۷)

یلدا:

«گر عمر سر آید چه بغداد و چه بلخ  
می نوش که بعد از من و تو ماه بسی  
پیمانه چو پر شود چه شیرین و چه تلخ  
از سلخ به غره آید از غره به سلخ»

(۱۶۳)

گندم: «پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت» (۲۳۷)

یا به طور کلی خاصیت طنز گونه دارند:

یلدا:

«سلامعلیکم ییالا آلا  
سلامعلیکم سسکینه  
والله آق موشالا  
که زندگی همینه  
بی لنگ نری تودریا»

(۲۹۰)

«سیا جون عمه ت قسم  
از بس که غم آوردی  
قصه نگو که خسته ام  
دلمو ببه درد آوردی  
حالا به دونه حالا دو دونه  
بگو این جوونه بمونه»

(۲۹۱)

پریچهر:

«دیشب پریشب اشکنه خوردم  
خوردم به ماشین آخ که نمردم»

(۲۷۰)

«الهی که من هل بشم  
الهی که غافل بشم  
یه کمی عاقل بشم  
یه کمی عاقل بشم»

(۲۷۰)

یاسمین:

«اگه به امید من منانی  
برو شوهر بکن بیوه منانی»

(۲۸۴)

«در خوننه تونوو  
مثنه پینوکیوو  
دق دق می زنم  
لق لق می زنم  
مثنه کفت ر چاهی  
مثنه سگ تو کوچه  
وق وق می زنم  
سق سق می زنم  
یه تیکه نون خشک

اگه زنم نشی  
توسر کچلم  
به جون مادرم  
شقی شقی می‌زنم

(۲۱۲)

ب. القای احساسات شخصیت:

این مورد در رمان‌های *یلدا* و *گندم* کاربرد زیادی دارد. در رمان *یلدا* در موارد بسیار زیادی، شیوا که سرنوشت غم‌انگیزی دارد، برای بیان غم و اندوه خود و آرزوهای بر باد رفته‌اش، اشعار فروغ فرخزاد را دستمایه بیان احساسات خود قرار می‌دهد:

«مرگ من روزی فرا خواهد رسید

در بهاری روشن از امواج نور

در زمستانی غبارآلود و دور

یا خزانی خالی از فریاد و شور» (۲۲۵)

«نگاه کن

شراره‌ای مرا به کام می‌کشد

مرا به اوج می‌برد

مرا به دام می‌کشد

نگاه کن

تمام آسمان من

پر از شهاب می‌شود

تمام هستیم خراب می‌شود» (۲۳۷)

می‌رسند از ره که در خاکم نهند

گل به روی گور غمناکم نهند»

«خاک می‌خواند مرا هر دم

آه شاید عاشقانم نیمه‌شب

(۲۲۵)

در رمان *گندم*، در موارد گوناگون، *گندم* با خواندن اشعار مختلف، سامان را در یافتن جایی که پنهان شده است، راهنمایی می‌کند و گاه اشعار را بسیار دور از نظر و غیر طبیعی تفسیر می‌کند:

«تو به من خندیدی

و نمی‌دانستی

من به چه دلهره از باغچه همسایه

سیب را دزدیدم

باغبان از پی من تند دويد

سیب را در دست تو دید.....» (۱۴۲)

«دل من می سوزد

که قناری‌ها را پر بستند

که پر پاک پرستوها را بشکستند

و کبوترها را

آه کبوترها را.....» (۱۶۹)

۲-۲-۶. اطناب:

اطناب در رمان‌های مؤدب‌پور، مربوط به ساختار جملات نیست و چنان‌که پیش‌تر گفته شد، جملات او بسیار ساده و کوتاه هستند. بیشتر اطناب موجود در رمان‌ها، مربوط به اطالۀ کلام پیرامون یک موضوع است؛ به ویژه در مواردی که نویسنده، مسائل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی را موضوع سخن خود قرار می‌دهد:

گندم: «همین مهمه! شما می‌رین و چند تا مغازه رو می‌بینین و از بین چند دست لباس، یکی رو انتخاب می‌کنین و می‌خرین! چرا؟ چون در هر صورت باید بخرین! چون بهش احتیاج دارین تا بیوشینش و برین مهمونی! اما یه وقتی هس که شما هیچ مهمونی‌ای دعوت نشدین و به لباسم احتیاجی ندارین، اون وقت مثلاً یه روز که دارین تو خیابون راه می‌رین، چشمتون تو ویتترین یه مغازه می‌افته به یه لباس که ازش خیلی خوشتون می‌آد! ..... همین تجربه ساده می‌تونه بین شما و یه نفر دیگه باشه! متقابلاً اونم تو شما جستجوش رو شروع می‌کنه! اگه دلائلی رو که شما بهش رسیدین، اونم بهش برسه، یه عشق شروع شده! برای همینم میگم که عشق از سر ناچاری نیس! یعنی شما نباید به چیزی احتیاج داشته باشین و به دستش بیارین! یعنی ناچاراً عاشق چیزی نشین! میدان عملشم باید وسیع باشه تا شما بتونین چند بار برین و بیاین و اون لباس یا شخص یا هر چیز دیگه رو ببینین و ارزیابی کنین! یعنی باید فرصت دیدن، اندیشیدن، برخورد کردن، ارزیابی کردن رو داشته باشین! در غیر این صورت احتمال اینکه به عشق برسین کمه!» (۳۲۶-۳۲۵)

یاسمین: «نه! کی گفته ما خوب خوب شیم؟ چون محبت زیاد داریم، خویم؟ محبت بی‌منطق خیلی زود هم تبدیل به نفرت بی‌منطق می‌شه! تعارف‌های بی‌خودی و کشکی! نوکرم چاکرم ظاهری! جونم قربونت برم الکی! تو تا حالا شنیدی یا دیدی که مثلاً یه آدم اروپایی به یه نفر بگه من نوکرتم؟! نه، غیر ممکنه شنیده باشی. چون اصلاً توی فرهنگشون نیست. اگه یکی از اونا به یکی دیگه شون این حرف رو بزنه، طرف فکر می‌کنه یا یارو دیوونه‌س، یا ورش می‌داره و می‌بره خونه شون که نوکریش رو

بکنه! یعنی وقتی یارو با زیبون خودش میگه من نوکرتم و چاکرتم، باید سر حرفش هم بمونه؛ یعنی هرچی تو دلشونه می‌گن و سر حرفشون هم هستن. اصلاً تعارف و از این جور حرف‌ها ندارن! برای همین روی حرف‌هاشون می‌شه حساب کرد. حالا ماها! صدبار به رفیقمون می‌گیم فدات شم؛ تو رو خدا کاری داری فقط به من بگو! مخلصتم! امری داری در خدمتم! اما تا یه کار ازش می‌خوای، هزار جور بهانه برات می‌آره! تازه حواست جمع نباشه، سرت رو کلاه می‌ذاره.» (۳۷۳)

### ۲-۳. ویژگی‌های فکری:

محتوای هر اثر ادبی و موضوعاتی که هر نویسنده در آثار خود به آنها توجه می‌کند، بیانگر جهان‌بینی و نوع نگرش او به جهان پیرامون است و دغدغه‌ها و دلمشغولی‌های هر هنرمند و افکار و اعتقادات او از خلال موضوعاتی که در آثار او پررنگ‌تر هستند، آشکار می‌شود.

میان چهار رمان مورد نظر، از نظر محتوا و ویژگی‌های فکری شباهت و نزدیکی زیادی وجود دارد. مبنای هر چهار رمان بر رابطه‌ای عاشقانه میان دو جوان شکل می‌گیرد و محور حوادث، مشکلات و سختی‌هایی است که در راه وصال این دو وجود دارد. در کنار این داستان عاشقانه، داستانی دیگر روایت می‌شود که به گونه‌ای با آن در ارتباط است و نقطه‌ای مشترک، این دو روایت را به یکدیگر پیوند می‌زند. مسیر رویدادها و حوادث داستان از درون جامعه امروز و به طور خاص شهر تهران می‌گذرد. بدین گونه نویسنده در کنار پرداختن به رابطه‌ای عاشقانه، با گذر دادن شخصیت‌های داستان‌هایش در میان جامعه، به مطرح کردن مشکلات و مسائل امروز جامعه و مردم می‌پردازد و گاه بیان مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی چنان گسترده می‌شوند و حجم زیادی از گفت و گوها را به خود اختصاص می‌دهند که رابطه عاشقانه و عاطفی را در حاشیه قرار می‌دهد.

ویژگی‌ها و خصیصه‌های فکری موجود در آثار مؤدب‌پور را می‌توان به طور کلی در سه دسته، طبقه‌بندی کرد:

۱. مسائل عاطفی و عاشقانه.

۲. ناهنجاری‌های خانوادگی.

۳. معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی و سیاسی

بر اساس قاعده و روش کلی رمان‌های عامه‌پسند که به مسائل عاطفی و عاشقانه توجه بسیار زیادی دارند و در حقیقت این امر، مهم‌ترین موضوع مطرح در این آثار به شمار می‌آید، در رمان‌های مؤدب‌پور نیز عشق با همان دستمایه‌ها و مؤلفه‌های آشنای رمان‌های عامه‌پسند، همچون عشق در نگاه

اول، عشق‌هایی که از کودکی آغاز می‌شوند و عشق میان دو دل‌داده از دو طبقه اجتماعی متفاوت مطرح می‌شود و همچنان عشق، پر نقش‌ترین دستمایه و بستر ساز اصلی دیگر حوادث داستان است. مسائل خانوادگی و پرداختن به روابط و مناسبات میان افراد خانواده و طرح مشکلات و ناهنجاری‌هایی که در خانواده‌های ایرانی وجود دارد، از دیگر ابعاد مورد توجه رمان‌های مؤدب‌پور است.

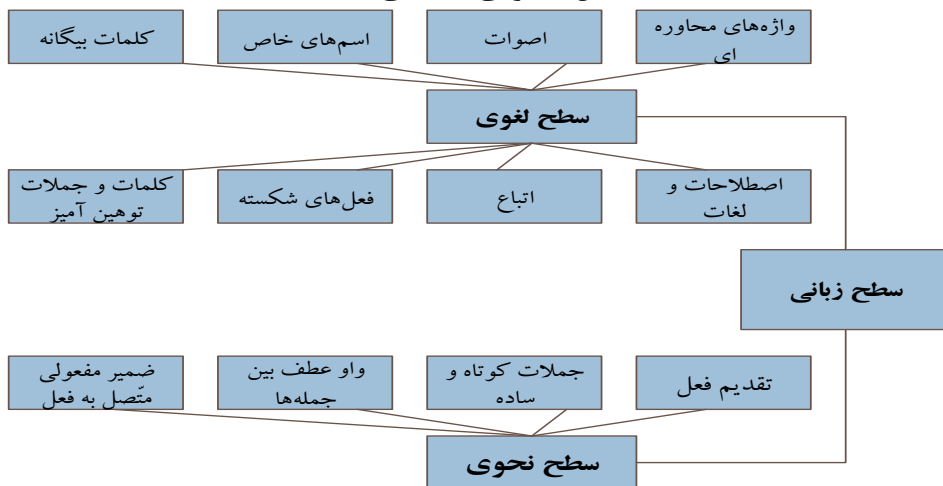
مهم‌ترین ناهنجاری‌های خانوادگی مورد بررسی در رمان‌های مؤدب‌پور عبارتند از: طلاق، ناسازگاری زناشویی، خیانت به همسر، ازدواج مکرر، ناهمساز همسری سنی، ناهمساز همسری طبقاتی و ازدواج‌های اجباری و سنتی.

در کنار مشکلات خانوادگی، طرح مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز در آثار مؤدب‌پور بازتاب گسترده‌ای دارد. در موارد فراوان، نویسنده در شرایط گوناگون و با قرار دادن شخصیت‌های داستان در موقعیت‌های خاص، به طرح مسائل و ناهنجاری‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و نقد شرایط موجود در جامعه می‌پردازد و سعی می‌کند با ریشه‌یابی این ناهنجاری‌ها، راهکارهایی برای جلوگیری از بروز آنها ارائه دهد. از مهم‌ترین ناهنجاری‌های اشاره شده در رمان‌های او می‌توان موارد زیر را نام برد:

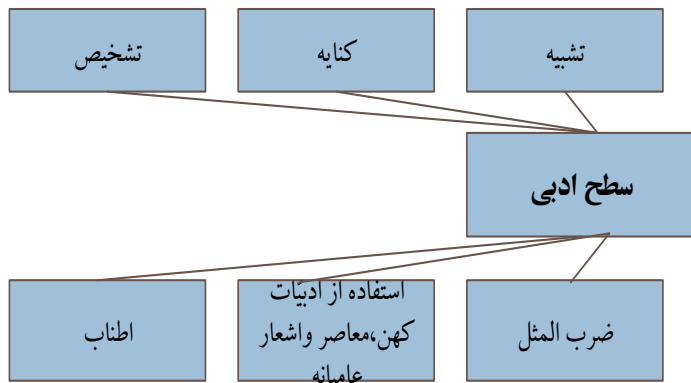
اختلافات طبقاتی، فقر و وضعیت اقتصادی نابسامان، اعتیاد، فحشا و بی‌بند و باری، دختران فراری، ایدز، فرار مغزها، مشکلات زنان و دختران، کمبود تفریحات و شادی و مقایسه وضع زندگی در ایران و خارج.

سطوح گوناگون سبکی رمان‌های مؤدب‌پور را به طور خلاصه در شکل‌های زیر مشاهده می‌کنید:

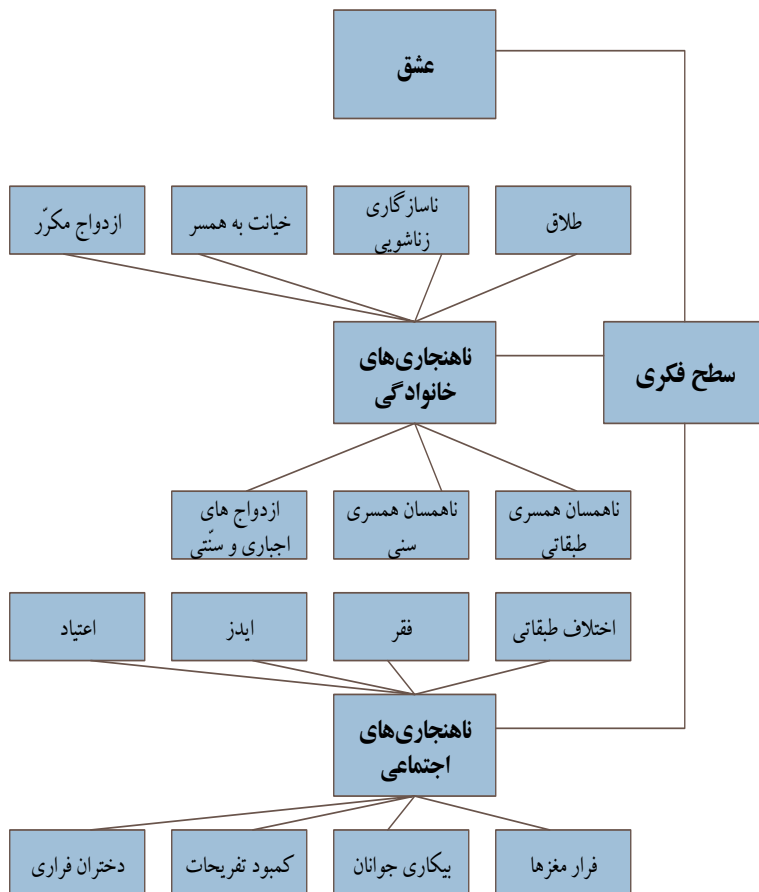
شکل ۱. ویژگی‌های زبانی



شکل ۲. ویژگی‌های ادبی



شکل ۳- ویژگی‌های فکری



### نتیجه گیری:

سبک نویسنده گی مؤدب پور، رئالیسم است و تمام وقایع و حوادث آن به جز دو روایت فرعی رمان های یاسمین و پریچهر که به سال های قبل از انقلاب بازمی گردد، در تهران امروز می گذرد. نویسنده با انتخاب جوانان امروزی به عنوان شخصیت های اصلی رمان های خود، طرح مسائل و معضلاتی را که در جامعه امروز گریبانگیر آنهاست، موضوع اصلی کار خود قرار می دهد. اهمیتی که نویسنده برای طرح موضوعات اجتماعی و فرهنگی در آثار خود قائل است، بر روی دیگر جنبه های رمان ها نیز اثر بسیار دارد و در موارد زیاد، شخصیت پردازی، صحنه و دیگر جنبه های سبکی را در دست می گیرد.

نثری که او برای بیان مفاهیم و موضوعات مورد نظر در آثار خود به کار می گیرد، نثری ساده و عاری از پیچیدگی است و کاربرد وسیع اصطلاحات و واژه های عامیانه و محاوره ای، فعل های شکسته به همراه ضرب المثل های فراوان و اتباع گوناگون که از مشخصه های اصلی زبان مردم و گفتگوهای روزمره آنان است، فضایی ملموس تر و عینی تر برای مخاطب فراهم می کند و موجب فهم آسان و ارتباط صمیمی با آثار او می شود.

به دلیل غلبه زبان عامیانه و نثر ساده رمان های مؤدب پور، کاربرد صنایع و زیبایی های ادبی در آثار او نمود چندانی ندارد. از معدود صور خیال مورد توجه در آثار او، کنایه است که کاربرد فراوانی دارد و دلیل اصلی آن را در همین کاربرد زبان عامیانه باید پیگیری کرد. تشبیه نیز از دیگر صور خیال مورد توجه نویسنده است؛ تشبیهاتی بسیار ساده و ابتدایی از نوع تشبیهات حسی به حسی و پر کاربرد در زبان مردم.

به نظر می رسد طرح مشکلات جوانان و مسائل سیاسی و اجتماعی روز از زبان جوانان با بیان بی پروا و زیر ذره بین قرار دادن ناهنجاری های خانوادگی با زبان ساده و عاری از پیچیدگی و دوری از استعارات و نمادها و کاربرد وسیع اصطلاحات و واژه های عامیانه، از عوامل جلب مخاطب به سمت این رمان ها و فروش بالای آنهاست.

### منابع:

- ابن منظور (بی تا)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۸۷)، *دستور زبان فارسی* ۲، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی.



- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲)، شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، تهران: انتشارات علمی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۶۳)، کلیات سبک‌شناسی، تهران: میترا.
- عبادیان، محمود (۱۳۶۸)، درآمدی بر سبک و سبک‌شناسی در ادبیات، چاپ دوم، تهران: جهاد دانشگاه.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۳)، درباره ادبیات و نقد ادبی، تهران: امیرکبیر.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۲)، ادبیات داستانی، چاپ چهارم، تهران: علمی.
- مؤدب‌پور، مرتضی (۱۳۸۴ الف)، پریچهر، چاپ بیستم، تهران: نسل نواندیش.
- (۱۳۸۴ ب)، یاسمین، چاپ هجدهم، تهران: شادان.
- (۱۳۸۴ ج)، یلدا، چاپ سیزدهم، تهران: شادان.
- (۱۳۸۵)، گندم، چاپ یازدهم، تهران: علم.